

کاربرد ضابطه تناسب صدمات استخوان و میزان جبران خسارت در ارش؛ از تعیین توسط متخصص تا تطبیق و حکم توسط قاضی

| محمدحسین شاکر اشتیجه* | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و
معارف اسلامی، دانشگاه آیت‌الله حائری (ره)، میبد، ایران
| اردوان ارژنگ | دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آیت‌الله
حائری (ره)، میبد، ایران
| عباس کلانتری خلیل‌آباد | دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف
اسلامی، دانشگاه آیت‌الله حائری (ره)، میبد، ایران
| حمید صدیقی آخا | دانش‌آموخته دکتری پزشکی قانونی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

مقنن میزان جبران خسارت آسیب استخوانی را با توجه به نوع صدمات تقنین کرده، اما مرتبه صدمات از حیث شدت مشخص نشده است. تشخیص صدمات با توجه به تخصصی بودن آن براساس ماده ۱۳۶ ق.آ.دک. برعهده متخصصان پزشکی قانونی قرار گرفته و در این میان نقشی جز صدور حکم مطابق نظر کارشناسی برای قاضی تعریف نشده است. دسته‌بندی مرتبه صدمات از شدید به ضعیف و ارائه ضابطه تناسب میان مرتبه شدت صدمه و میزان جبران خسارت می‌تواند به‌عنوان معیاری برای بررسی دقیق‌تر نظرات متخصصان پزشکی قانونی توسط قضات به‌عنوان رویه قضائی درحال حاضر و نیز اصلاحات آتی تقنینی به‌کار گرفته شود. استخراج ضابطه مذکور در تعیین ارش صدمات و یا اعضا فاقد دیه مقدر به‌عنوان یک معیار عینی، کاربرد خواهد داشت. براساس مطالعه و تحلیل کتب و اسناد، این نتیجه حاصل شد که صدمات استخوانی به‌ترتیب شدت عبارت از کنده شدن، خردشدگی، شکستگی، ترک برداشتن، دررفتگی و موضعه هستند. این ترتیب لازم است از طرفی

در مرحله تشخیص مرتبه شدت صدمه و نیز تعیین ارزش به تناسب دیه مقدر برای صدمات مذکور توسط متخصصان پزشکی قانونی و از طرف دیگر توسط قضات در مرحله تطبیق نظر کارشناسی با ضابطه ارائه شده، مراعی باشد.

واژگان کلیدی: صدمات استخوانی، جبران خسارت، تناسب، مرتبه شدت صدمه، ارزش.

مقدمه

صدمات استخوانی از منظر تفاوت مفهومی با عناوین مختلف کندن، شکستگی، ترک برداشتن، کوبیدگی، دررفتگی، موضعه و نافذه و نیز از حیث اندام فوقانی و تحتانی مورد توجه و تصریح مقنن برای تقنین احکام مختلف بوده است. یکی دیگر از جنبه‌هایی که امکان تفکیک صدمات براساس آن وجود داشته، دسته‌بندی صدمات استخوانی از حیث مرتبه شدت صدمه وارده با معیار میزان تعیین شده برای صدمه است. ارائه ترتیبی به منظور شناختن صدمات استخوانی از شدیدترین به خفیف‌ترین می‌تواند ضابطه‌ای کاربردی را ارائه دهد. برخی صدمات با میزان جبران خسارت معین در شرع و قانون بیان شده‌اند و اقتضای عدل و انصاف و کرامت تعیین میزان جبران خسارت بیشتر در صدمات شدیدتر می‌باشد. در این میان، برخی صدمات به صورت مشخص ذکر نشده و نیازمند تعیین ارزش برای جبران خسارت است. ضابطه مذکور در راستای تبیین معیاری برای ارائه نظر کارشناسی با تعیین فاصل حداکثر و حداقل میزان ممکن برای تعیین ارزش جبران خسارت صدمات فاقد دیه مقدر بوده که می‌تواند جایگاه قضات را از شنونده یا مجری نظرات کارشناسی به ناظر و تطبیق‌دهنده نظرات ارتقا و به‌عنوان رویه قضائی مورد عمل قرار گیرد.

صدمات استخوانی در پژوهش‌های مختلفی مورد کنکاش قرار گرفته و مفهوم و ضابطه دیه برخی صدمات استخوانی به صورت مستقل از جمله شکستگی (ساریخانی و همکاران، ۱۳۹۸)، دررفتگی (شاکر و همکاران، ۱۳۹۵) و کوبیدگی (بای و همکاران، ۱۳۹۵) براساس متون روایی و فقهی و نیز حقوق موضوعه بررسی شده و لکن علاوه بر اینکه هیچ‌گونه بررسی در مورد تعدادی از صدمات استخوانی صورت نپذیرفته، مجموعه صدمات در یک پژوهش به منظور استخراج ضوابط کاربردی مورد کنکاش قرار نگرفته است. نگاه مجموعی به تمامی صدمات استخوانی و تطبیق میزان جبران خسارت در هریک از آن‌ها با یکدیگر می‌تواند به کشف معیارهایی از جمله در تبیین جایگاه و رتبه صدمات از شدید به خفیف و در نتیجه تبیین ضابطه تناسب منجر شود که تحقیقات پیش‌گفته فاقد چنین نگاه جمعی و تطبیقی به صدمات استخوانی هستند.

مقنن مبنای تعیین مجازات برای جرائم را حکم مقرر در قانون دانسته است. حرفی که با اتصال به یکدیگر کلمه را تشکیل و کلماتی که با توجه به معانی در کنار یکدیگر قرار گرفته و جملات معنادار

را می‌سازند. این حروف و کلمات هیچ اختیار و تبیینی نسبت به تفسیر، تشریح و توضیح خود نداشته و این نویسندگان و خوانندگان هستند که با برداشت معانی آن‌ها در صدد فهم واژگان هستند. واژگانی که در علم حقوق بسیار مهم بوده، چراکه مبنای تعریف جرم، تعیین مجازات و حتی ارائه یک ضابطه نانوشته هستند. از جمله ضابطه حقوقی نانوشته با عنایت به متن قانون را می‌توان ضابطه تناسب صدمات استخوانی و میزان جبران خسارت ذکر کرد. تناسب صدمه و جبران خسارت در جنایت غیر عمد و یا عمدی که امکان یا جواز قصاص نداشته می‌تواند پژوهشگر را به نگاهی نواز آنچه ظاهر مواد قانونی اشاره داشته رهنمون سازد.

تناسب جرم و مجازات ناشی از اصل مقابله به مثل دانسته شده و اصل مقابله به مثل را در حد عرف و عادت در روابط اجتماعی جاری می‌دانند. این قاعده عرفی در برخی موارد در قالب مجازات‌های قانونی درآمده و حالت قاعده عرفی بودن را از دست داده است (زنجانی، ۱۴۲۱/۳: ۴۸۴-۴۸۵). با این حال برخی مصادیق برای ضابطه تناسب جرم و مجازات وجود داشته که در قالب الفاظ قانونی در نیامده و امکان استخراج آن با مراجعه به فقه و نیز متن قانون و عملیاتی‌سازی آن وجود دارد. پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه ضابطه تناسب صدمات استخوانی و میزان جبران خسارت چگونه خواهد بود و عملیاتی‌سازی آن چه مزایایی را در رویه قضائی به دنبال خواهد داشت؟

این پژوهش براساس مطالعات کتب و اسناد، به صورت کتابخانه‌ای و با نگاه کاربردی به تحلیل صدمات استخوانی و تبیین جایگاه آن‌ها براساس میزان جبران خسارت و سپس استخراج ضابطه با استناد به فقه و حقوق موضوعه کیفری پرداخته تا به عنوان رویه واحدی برای احکام صادره در محاکم قضائی از جمله حین بررسی و تطبیق گواهی متخصصان پزشکی قانونی قرار گیرد. از این رو پس از بیان مبانی نظری (بند ۱) به تبیین خاستگاه ضابطه در فقه و قانون مجازات اسلامی با استقراء صدمات استخوانی و چگونگی اجرای تناسب در صدمات استخوان‌های مختلف (بند ۲) و سپس رتبه‌بندی صدمات استخوانی از حیث شدت براساس یافته‌ها و ارائه ضابطه تناسب براساس متن قانون (بند ۳) اقدام شده است.

۱- مبانی نظری

۱-۱- کرامت انسانی

تا ذات آدمی وجود دارد آدمی دارای کرامت است و هیچ‌گاه نمی‌توان فرض کرد جایی انسان باشد و کرامت نداشته باشد. این کرامت در هیچ شرایطی سلب نمی‌شود. حتی جنایت‌کارترین انسان‌ها نیز این کرامت را دارند. چنین انسانی کرامت اکتسابی و موقعیت اخلاقی خود را در جامعه از دست

داده است. با این همه، شایسته دادرسی عادلانه است و این چیزی جز کرامت‌مندی وی نیست (قماش، ۱۳۹۳: ۲۹۲). یکی از آثار و مقتضیات کرامت انسانی در حقوق کیفری ماهوی، ممنوعیت مجازات‌های ظالمانه است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۸). کرامت انسانی راهبرد استنباط حکم شریعت است، یعنی این ویژگی در اثبات حکم نقشی را بازی می‌کند که در مقام ثبوت هم دارد و مانند آن مقام بستر و چارچوبی است که مجتهد با توجه به لوازم هنجاری برخاسته از آن، باید به تفسیر و فهم متون دینی و کشف حکم شرعی بپردازد (قماش، ۱۳۹۴: ۹۳). کرامت انسانی همین نقش مبنایی را در فهم متون قانونی نیز داشته و لازم است کشف منظور واقعی مقنن و مقاصد نانوشته در پرتو آن صورت پذیرد.

۱-۲- عدل و انصاف

عدل و انصاف، از قواعد عقلایی است که در مواردی شارع آن را امضا کرده است و در دعوا و اختلاف حقوقی میان افراد به‌کار می‌رود. اگر تشخیص اینکه حق به جانب کدام یک از طرفین دعوا است، مشکل شود، براساس این قاعده، عدل و انصاف حکم می‌کند، دعوا به‌گونه‌ای رسیدگی شده و پایان یابد که در حق هیچ‌یک ظلم نشود (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۱۸-۹). رعایت عدل و انصاف از مبانی اولیه کشف احکام شرعی و قانونی است. تطبیق یا این قاعده در کشف تمامی تفاسیر و نیز اصطیاد ضوابط قانونی امری لازم است.

باعنایت به مبانی مذکور، همان‌گونه که در خسارت اموال، جبران به‌صورت عینی، مثلی و قیمی واقع می‌شود، در جنایات غیرعمد با توجه به اینکه امکان مماثلت در جنایت نبوده، حکم به جبران خسارت شده است. این جبران براساس مبنایی خواهد بود که همانند جبران خسارت قیمی در خسارت بر اموال است. هنگامی که مجموعه‌ای از مواد قانونی مختلف در کنار یکدیگر قرار داده شود، با نگاه مجموعی به آن‌ها به کشف ضابطه‌ای حکم داده می‌شود که می‌تواند به‌عنوان معیاری برای تمیز حکم حق قرار گیرد. ضابطه تناسب در پرتو مبانی کرامت انسانی و اصل عدل و انصاف، اقتضای مماثلت میان صدمات وارده و میزان جبران خسارت را داشته که نوشتار حاضر به ارائه راهکاری در این خصوص برگرفته از متن قانون پرداخته است.

۲- ضابطه تناسب در فقه و حقوق موضوعه

جایگاه ضابطه تناسب را می‌توان در بسیاری از مواد قانونی یافت. تناسب لازم است دوطرف داشته باشد و حسب مورد می‌تواند در مبحث حدود، تعیین مجازات تعزیری، شرط تحقق رفتار مجرمانه، دیات و ... کاربرد داشته باشد. هرچند مقنن این اصل را به‌صورت کلی در قالب یک ماده

تقریر نکرده، لکن در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی به عنوان شرط تحقق موضوع یا پیاده کردن حکم است. واژه تناسب و سایر مشتقات آن در قانون مجازات اسلامی را می توان در دسته بندی زیر ارائه کرد:

- تناسب مکان نگهداری با مال در تعریف حرز به عنوان یکی از شروط اجرای حد بر سارق (ماده ۲۶۹)

- تناسب نوع مجازات منتخب با جرم ارتكابی در تعیین مجازات تکمیلی (ماده ۲۳)

- تناسب تعدیل مبالغ مذکور در قانون با نرخ تورم سالیانه (ماده ۲۸)

- تناسب تعیین نوع مجازات جایگزین حبس با شرایط و کیفیات مقرر (ماده ۶۴)

- تناسب رفتار ارتكابی هنگام بروز خطر در تعیین شرایط و موانع مسئولیت کیفری (ماده ۱۵۲)

- تناسب میان هزینه نگهداری مال به نسبت ارزش عین مال در اموال مکشوفه (تبصره ۲ ماده ۲۱۵)

- تناسب در پرداخت دیه توسط عوامل متعدد در صور مذکور در قانون

(مواد ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۷۳ و ۴۷۷)

- تناسب دریافت فاضل دیه در صورت مذکور در قانون (ماده ۳۶۷)

- تناسب دریافت دیه با سهم الارث (ماده ۴۵۲)

- تناسب محاسبه دیه با میزان مسئولیت در جنایت

(مواد ۵۷۸، ۶۰۷، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۴۸، ۶۶۱، ۶۶۲، ۷۲۰)

در تمامی این مواد، تناسب به معنای ارتباط تعیین صفت یا میزان مجازات یا نوع مجازات به نسبت میزان تطابق با شاخص دیگر است. به عبارت دیگر، تناسب به این معنا است که تحقق صفت، موضوع، حکم یا تعیین مجازات مرتبط با وابسته دیگری بوده و میزان مناسبت با آن به عنوان ملاک تحقق یا تعیین است.

در تمامی ماده های قانونی مذکور، واژه تناسب یا مشتق آن در قانون تقریر شده و به عبارتی از متن قانون است. نوع دیگری از تناسب به عنوان یک ضابطه عام که به صراحت ذکر نشده و لکن می توان آن را از مواد مختلف قانون استخراج کرد، تناسب مقایسه ای است. در این حالت با چیدن یک یا چند رفتار مجرمانه در کنار یکدیگر و مقایسه احکام آن ها، رهنمون به استخراج ضابطه ای در تناسب تعیین مجازات با جنایت خواهیم شد. شاخص در تناسب مقایسه ای به منظور رتبه بندی مجازات ها از حیث شدت، میزان جبران خسارت تعیین شده است که در پرتو آن، جایگاه و رتبه صدمات مختلف برای تعیین حدود میزان جبران خسارت به دست می آید.

خاستگاه ضابطه تناسب صدمات و میزان جبران خسارت در فقه و حقوق موضوعه به‌قرار زیر است.

۱-۲- جبران خسارت صدمات استخوانی در فقه و حقوق موضوعه

اصطیاد ضابطه از موارد هم‌سان و اجرای آن در تمامی موضوعات مربوطه از موارد معمول در فقه و حقوق بوده و کتاب‌های متعددی در این خصوص به رشته تحریر آمده است. از جمله اسناد به‌عنوان منبع اصلی استخراج ضابطه موضوع این نوشتار در فقه، روایت ظریف است. این روایت - که به اصل یا کتاب نامبردار شده است - به تبیین دیه صدمات مربوط به استخوان پرداخته و به‌عنوان جامع‌ترین مرجع روایی در این خصوص است. این روایت به تعیین میزان جبران جنایت بر استخوان‌های مختلف بدن به تفکیک صدمات شکستگی، کوبیدگی، دررفتگی، ترک برداشتن، موضعه، نافذ پرداخته است. این اصل در معتبرترین جوامع روایی ذکر بدین‌گونه که شیخ طوسی هم به‌صورت یک‌جا و پشت سرهم (طوسی، ۱۰/۱۴۰۷: ۲۹۵) و نیز به‌صورت جداگانه (طوسی، ۱۰/۱۴۰۷: ۱۶۹) در ابواب مختلف نسبت به تقریر صدمات گوناگون به تفکیک استخوان‌ها پرداخته و مرحوم کلینی (کلینی، ۷/۱۴۰۷: ۳۲۴ و ۳۳۰) آن را تقطیع کرده و هر قسمت از روایت ظریف را در باب خاص به تفکیک استخوان آورده و شیخ صدوق (قتی، ۴/۱۴۰۹: ۷۵) کتاب ظریف را یک‌جا آورده که حکایت از صحت سند و امکان استناد و عمل به آن دارد. میزان جبران خسارت صدمات استخوانی به دو شیوه تصریح به مقدار معین یا نسبتی از جنایت دیگر ذکر شده که در ادامه به ذکر جبران خسارت صدمات استخوانی از منظر فقه و تطبیق با حقوق موضوعه در راستای معرفی خاستگاه ضابطه موضوع این نوشتار می‌پردازیم.

۱-۱-۲- صدمه‌کنند

میزان جبران خسارت فک استخوان در تقریرات مشهور فقها (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۷، حلبی، ۱۴۰۳: ۳۹۹، سلار، ۱۴۰۴: ۲۴۸، طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۷، ابن ادریس، ۳/۱۴۱۰: ۴۱۱، نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۲۸۶ و ۲۸۶، فاضل هندی، ۱۱/۱۴۱۶: ۳۹۱، شهید ثانی، ۱۴۱۳/ ۱۵: ۴۴۱) در قالب یک ضابطه تعریف شده است. این ضابطه بیان می‌دارد فک استخوان در صورتی که موجب از کار افتادن عضو شود، دیه آن دوسوم دیه عضو بوده و در صورت بهبودی بدون عیب، دیه آن چهارپنجم دیه فک است. حقوق موضوعه، این صدمه را در ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی با عنوان شلل یا از کار افتادگی کامل عضو ذکر کرده و میزان جبران خسارت براساس نظریه مشهور فقها تقریر یافته است.

۲-۱-۲- صدمه کوبیدگی

مشهور فقها (سالار، ۱۴۰۴: ۲۴۸، حلبی، ۱۴۰۳: ۳۹۹، مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۷، طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۷) میزان جبران خسارت کوبیدگی استخوان‌ها را در قالب یک ضابطه تقریر کرده‌اند. این ضابطه بیان می‌دارد: «هرگاه استخوان عضوی که دارای دیه مقدر است کوبیده شود، در صورتی که کوبیدگی درمان نشود و یا به صورت ناقص درمان شود، یک سوم دیه آن عضو ثابت خواهد بود و اگر کوبیدگی به طور کامل درمان شود، چهار پنجم از دیه عدم بهبودی کوبیدگی ثابت است.»

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵۶۹ با پذیرش ضابطه صدمه کوبیدگی استخوان‌ها مقرر می‌دارد: «دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است:

... ب- دیه خرد شدن استخوان هر عضو یک سوم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود، چهار پنجم دیه خرد شدن آن استخوان است...».

۲-۱-۳- صدمه شکستگی

فقها (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۶، سالار، ۱۴۰۴: ۲۴۸، ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۱، عاملی، ۱۴۱۰، ۲۸۲، حلبی، ۱۴۱۳: ۳/۶۸۱) در تعیین دیه شکستگی استخوان با استناد به اصل ظریف پس از مشاهده تعیین نسبت مشخصی از دیه قطع عضو به عنوان دیه صدمه شکستگی استخوان همان عضو، اقدام به تقریر ضابطه‌ای کرده که بیان می‌دارد: «در شکستگی استخوان بدون بهبودی کامل، یک پنجم دیه عضو و در صورت بهبودی چهار پنجم از یک پنجم دیه قطع عضو ثابت است». ضابطه مذکور در کتب بسیاری از فقها به صورت مطلق در تمامی استخوان‌ها تقریر یافته با وجود اینکه در کتاب ظریف، موارد مخالف این ضابطه نیز وجود دارد (ساریخانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۲-۱۷۴). ضابطه به این بیان در هیچ متن روایی نقل نشده و تنها در کتاب روایی فقه الرضا (علیه السلام)، دیه شکستگی استخوان به طور مطلق و بدون تعیین حالت بهبودی یا عدم آن به میزان یک پنجم دیه عضو تعیین شده است. در این کتاب که منسوب به امام رضا (علیه السلام) بوده مقرر شده: دیه شکستن هر استخوان، یک پنجم دیه عضو است^۱ (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۱۳). اطلاق این متن با ضابطه مذکور، هم خوانی نداشته و از این رو هیچ متن روایی که مؤید این ضابطه باشد، وجود ندارد.

۱. «فدية كل عظم يكسر تعلم ما في دية القسم فدية كسره خمس ديته و دية موضحة ربع دية كسره».

مواد ۵۶۸ و بند الف ماده ۵۶۹ ق.ا.م.ا به تقریر دیه صدمه شکستگی در حالت‌های بهبودی و عدم بهبودی پرداخته که مواد مذکور حکمی یکسان در دیه شکستگی با بهبودی و احکام متفاوتی را در دیه شکستگی با عدم بهبودی را ذکر کرده است. ارتباط این دو ماده و ایرادات تبیینی آن، مورد توجه برخی محققان (ساریخانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۱) بوده و از بررسی آن خودداری می‌شود. ماده ۵۶۹ در تبیین دیه صدمات شکستگی و خردشدگی در دو حالت بهبودی و عدم بهبودی براساس نظر مشهور فقها مقرر می‌دارد:

«دیه شکستن، ترك برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است:

الف- دیه شکستن استخوان هر عضو يك پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهار پنجم دیه شکستن آن است...».

۲-۱-۴- صدمه ترك برداشتن

بیشتر فقرات اصل ظریف شامل ترقوه، شانه، ساعد، آرنج، کف دست، بند ناخنی انگشت شست دست، بند متصل به کف انگشت شست دست، بند متصل به کف سایر انگشتان دست، بند ناخنی سایر انگشتان دست، باسن، ران، کشکک زانو، ساق پا، بند ناخنی شست پا، بند متصل به کف پا سایر انگشتان و بند ناخنی سایر انگشتان پا، مطابق با نظریه مذکور در ترك برداشتن استخوان می‌باشد. بر همین اساس، برخی فقها (طوسی، ۱۴۰۸: ۴۵۳، اسفهان‌ی، ۱۴۰۶: ۲۶۰) جبران خسارت این صدمه را ضمن یک ضابطه به قرار زیر تعریف کرده‌اند:

در ترك برداشتن استخوان، چهار پنجم دیه شکستن به عنوان دیه ثابت است.^۱

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در بند «پ» ماده ۵۶۹ این نظریه را پذیرفته و بیان می‌دارد:

«ماده ۵۶۹- دیه شکستن، ترك برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است: ... پ- دیه ترك برداشتن استخوان هر عضو چهار پنجم دیه شکستن آن عضو است...»

۲-۱-۵- صدمه در رفتگی

ضابطه جبران خسارت صدمه در رفتگی استخوان‌ها مورد قبول فقها (خویی، ۱۴۲۲/۴۲، ۴۱۳،

سبزواری، ۲۹/۱۴۱۳: ۲۵۰) قرار گرفته است. این ضابطه در متون روانی به قرار زیر آمده است:

دیه در رفتگی استخوان نصف دیه شکستگی است (عاملی، ۲۹/۱۴۰۹: ۳۷۸).

در حقوق موضوعه مطابق ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی، برای صدمه در رفتگی ارش تعیین شده و مقنن دیه صدمه در رفتگی را مطابق متون روایی و فقهی تعیین نکرده است. از این رو

۱. في صدع العضو أربعة أخماس دية الكسر.

می‌توان براساس ضابطه تعریف شده در متون روایی نسبت به تعیین میزان جبران خسارت در رویه محاکم حتی با عنوان ارش عمل کرد.

۲-۱-۶- صدمه نافذه و موضحه

جبران خسارت صدمه موضحه به صورت یک اصل که به صراحت در متون روایی آمده و در کتب مشهور فقیهان تقریر یافته است. براساس این ضابطه: «دیه موضحه استخوان، یک چهارم دیه شکستگی آن است.» هر چند دیه موضحه برخی استخوان‌های مذکور در اصل ظریف مخالف با ضابطه مذکور بوده، لکن همان گونه که صاحب جواهر^۱ (نجفی، ۴۳/۱۴۰۴: ۳۵۲) مقرر کرده‌اند، می‌توان با استخوان‌های موافق با ضابطه، استدلال به صحت آن کرد و مخالفت برخی استخوان‌ها در اصل ظریف، موجب نفی وجود ضابطه نخواهد شد و موارد مخالف استثنائی بر اطلاق ضابطه جبران خسارت صدمه موضحه محسوب می‌شوند. ضابطه دیه نافذه نیز براساس فقرات مختلف اصل ظریف قابل اصطیاد به میزان یک چهارم دیه شکستگی است.

دیه صدمات مذکور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ بیان نشده بود، لکن قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ آن را در ماده ۵۶۹ پذیرفته و مقرر می‌دارد:

«ماده ۵۶۹- دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است...».

ت- دیه جراحی که به استخوان نفوذ کند، بدون آنکه موجب شکستگی آن شود و نیز دیه موضحه آن، یک چهارم دیه شکستگی آن عضو است.»

۲-۲- ضابطه تناسب صدمات استخوانی و میزان جبران خسارت در پرتو قانون

۲-۱-۲- صدمات استخوانی دارای دیه مقدر

مقنن به دو شیوه، دیه صدمات استخوانی را تقریر کرده است. در برخی مواد نسبت به بیان دیه صدمات در قالب یک ضابطه و در برخی مواد نسبت به بیان میزان جبران خسارت استخوان‌های مشخصی پرداخته است که از نسبت سنجی دیات مقدر می‌توان در کشف ترتیب درجه شدت صدمات بهره برد، به این توضیح که تعیین دیه بیشتر به معنای شدت بیشتر صدمه بوده، وگرنه الزام به جبران خسارت با میزان بیشتر، برخلاف عدل و انصاف و کرامت خواهد بود. در ادامه مواد قانونی مرتبط ذکر می‌شود.

۱. مما بعضه موافق للضابط المذکور و بعضه مخالف، إلا أنه يمكن الاستدلال بالموافق منه متممًا بمعارف، و لا ینافیة البعض المخالف كما هو مقرر فی محله.

۲-۱-۲-۲- صدمات استخوان ترقوه

مقنن در مواد ۶۵۵ تا ۶۵۷ ق.م.ا. به ذکر دیه صدمات استخوان ترقوه مطابق بندهای زیر پرداخته است.

- قطع و از بین بردن دو استخوان ترقوه، موجب دیه کامل و هر کدام از آنها، موجب نصف دیه کامل.
 - شکستن هریک از استخوان‌های ترقوه در صورتی که بدون عیب درمان شود، موجب چهار درصد دیه کامل و در صورتی که درمان نشود و یا با عیب درمان شود، موجب نصف دیه کامل.
 - دیه ترك خوردن هریک از استخوان‌های ترقوه، سی و دو هزارم دیه کامل.
 - دیه در رفتگی هریک از استخوان‌های ترقوه، بیست هزارم دیه کامل.
 - دیه موضحه هریک از استخوان‌های ترقوه، بیست و پنج هزارم دیه کامل.
 - دیه سوراخ شدن هریک از استخوان‌های ترقوه، ده هزارم دیه کامل.
- می‌توان مطابق جدول زیر میزان دیه صدمات استخوانی ترقوه را نمایش داد.

نوع صدمه	بهبود با عیب	بهبود بدون عیب
قطع و از بین بردن	دو استخوان ترقوه، موجب دیه کامل و هر کدام موجب نصف دیه کامل.	
شکستن	نصف دیه کامل	چهار درصد دیه کامل
ترك خوردن	سی و دو هزارم دیه کامل	
موضحه	بیست و پنج هزارم دیه کامل	
در رفتگی	بیست هزارم دیه کامل	
سوراخ شدن	ده هزارم دیه کامل	

در مورد ترتیب شدت صدمات استخوان ترقوه بر ملاک میزان تعیین دیه می‌توان گفت، شکستن، ترك خوردن، در رفتگی، موضحه و سوراخ شدن را ذکر کرد.

۲-۱-۲-۲- صدمات استخوان دنده

مقنن در مواد ۶۵۳ و ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی به بیان دیه صدمات مختلف استخوان‌های دنده پرداخته که براساس میزان جبران خسارت مقدر ذکر شده، می‌توان به ترتیب شدت، صدمات را مطابق جدول زیر ترسیم کرد:

دنده‌های دیگر	دنده‌های محیط به قلب	نوع صدمه
يك صدم ديه كامل	يك چهلم ديه كامل	شكستن
هفت هزارم ديه كامل	يك هشتم ديه كامل	ترك خوردن
پنج هزارم ديه كامل	هفت و نيم هزارم ديه كامل	دور رفتگی
يك چهارم ديه شكستن آن	يك چهارم ديه شكستن آن	موضحه

۲-۲-۱-۳- صدمات سایر استخوان‌ها

مقنن در ماده ۱۵۶۹ قانون مجازات اسلامی به بیان ديه شكستن، خرد شدن، ترك برداشتن، نافذه و موضحه استخوان در قالب ضابطه کلی مطابق جدول زیر پرداخته است.

دیه حالت بهبودی	دیه حالت عدم بهبودی	نوع صدمه
چهار پنجم ديه عدم بهبودی	يك سوم ديه عضو	خرد شدن
چهار پنجم ديه عدم بهبودی	يك پنجم ديه عضو	شكستن
چهار پنجم ديه شكستن آن عضو		ترك برداشتن
يك چهارم ديه شكستگی		موضحه/نافذه

مقنن در صدمه ترك برداشتن، تفکیکی میان حالت‌های بهبودی صدمه و عدم بهبودی آن نداشته و میزان جبران خسارت را معادل نسبتی از صدمه شكستگی تعیین کرده است. می‌توان گفت با عنایت به عدم تعیین حالت شكستگی (بهبودی یا عدم بهبودی) برای تعیین نسبت مذکور برای جبران

۱. ماده ۵۶۹- ديه شكستن، ترك برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای ديه مقدر به شرح زیر است:
 - الف- ديه شكستن استخوان هر عضو يك پنجم ديه آن عضو و اگر بدون عيب درمان شود، چهار پنجم ديه شكستن آن است.
 - ب- ديه خرد شدن استخوان هر عضو، يك سوم ديه آن عضو و اگر بدون عيب درمان شود، چهار پنجم ديه خرد شدن آن استخوان است.
 - پ- ديه ترك برداشتن استخوان هر عضو، چهار پنجم ديه شكستن آن عضو است.
 - ت- ديه جراحی که به استخوان نفوذ کند، بدون آنکه موجب شكستگی آن گردد و نیز ديه موضحه آن، يك چهارم ديه شكستگی آن عضو است.

خسارت صدمه ترک برداشتن چنین نتیجه گرفت که حسب مورد و در صورت امکان وقوع هریک از حالات بهبودی یا عدم بهبودی در صدمه ترک برداشتن، نسبت چهارپنجم (در صدمه ترک برداشتن) از همان حالت در صدمه شکستگی محاسبه خواهد شد (ارژنگ و همکاران، ۱۴۰۰). به عبارتی اطلاق ماده را در جهت سازگاری با روح قانون مبنی بر تمایز میان جبران خسارت در حالت‌های بهبودی و عدم بهبودی تفسیر می‌کنیم. این مطلب در مورد صدمه نافذه و موضعه نیز جاری است. براساس میزان دیه تعیین شده برای صدمات در این ماده می‌توان شدت صدمات را به ترتیب خرد شدن، شکستگی، ترک برداشتن و موضعه (موضعه و نافذه در رتبه مساوی از حیث شدت هستند) دانست.

۲-۲-۲- صدمات استخوانی فاقد دیه مقدر

مقنن با ضابطه‌ای که بیانگر نسبتی از دیه قطع عضو بوده، به بیان میزان جبران خسارت برخی صدمات وارده بر استخوان پرداخته است که می‌توان در مورد تعیین ارش نیز از این ضابطه بهره جست. برای مثال، مقنن در ماده ۵۶۹ ق.م.ا. دیه شکستن استخوان هر عضو را یک پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه شکستن آن می‌داند که در اعضایی که دیه مقدر نداشته نیز می‌توان براساس این نسبت به تعیین میزان ارش صدمه شکستگی نسبت به ارش قطع عضو مطابق نسبت مذکور در اعضا دارای دیه مقدر (مثلاً در شکستگی بدون بهبودی، معادل یک پنجم دیه عضو) حکم داد. از این رو، در صورتی که حکم ارش قطع اعضا فاقد دیه مقدر توسط متخصصان و کارشناسان پزشکی قانونی مشخص شود، براساس نسبت‌های مذکور در قانون برای جبران صدمات استخوانی، می‌توان حکم آن را نیز مشخص کرد.

۲-۲-۲-۱- صدمه کننده شدن استخوان دنده

مقنن در تبصره ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی، کندن دنده را موجب ارش دانسته و مقرر کرده: «کندن دنده موجب ارش است.» هر چند مقنن در ماده ۶۵۳ و ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی به بیان دیه مقدر صدمات شکستگی، ترک برداشتن، دررفتگی و موضعه استخوان دنده پرداخته لکن ارش را به عنوان جبران خسارت صدمه کندن دنده تعیین کرده است. استخراج اصل تناسب صدمه و میزان جبران خسارت می‌تواند در راستای تعریف ضابطه برای تعیین میزان جبران خسارت صدمه کندن دنده به کار رود و حکم به لزوم تعیین ارش بیش از میزان مقدر برای صدمه خفیف‌تر داده شود.

۲-۲-۲-۲- سایر صدمات استخوانی

هرچند حقوق موضوعه به تعیین دیه صدمات اصلی استخوان پرداخته، لکن صدمات استخوانی دیگری نیز وجود داشته که به بیان برخی از آن‌ها به منظور ارائه یک راهکار و پیشنهاد برای رعایت تناسب صدمه و میزان جبران خسارت می‌پردازیم.

- سیاه شدن یا فساد استخوان که در علم پزشکی با عنوان نکروز شناخته می‌شود و موجب درد در استخوان شده و در برخی موارد لازم است استخوان بیرون آورده شود. از این رو حسب نتایج و عوارضی که این صدمه به دنبال داشته، لازم است در خصوص جبران خسارت آن نظر داده شود. اگر این صدمه موجب کنده شدن تکه کوچکی از استخوان شود، می‌توان آن را در دامنه شمول شکستگی قرار داد و اگر تکه بزرگی از استخوان از بین برود، در این حالت اگر موجب شلل عضو شود، براساس آن نسبت به تعیین جبران خسارت اقدام خواهد شد.

- استئومیلیت نوعی التهاب استخوانی حاصل از انتشار باکتری‌ها از خون به استخوان است (دشت بزرگ، ۱۳۹۲: ۵۲) این صدمه می‌تواند عوارضی از جمله فوت بیمار، متوقف شدن رشد و در نتیجه کوتاهی استخوان، ضعف استخوان و شکستگی و ... شود (سایت ایران ارتوپد). از این رو حسب صدمه نهائی میزان جبران خسارت آن تعیین می‌شود.

- شکستگی استرس که در توصیف آن آمده است: «این شکستگی ناشی از ضربات خفیف و مکرر است که سبب شکستگی میکروسکوپی استخوان می‌شود» (اعلمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸).

- صدمه خمیدگی استخوان^۲ که در این صدمه خط شکستگی واضحی در کورتکس دیده نمی‌شود و شکستگی‌های ریز میکروسکوپی متعددی موجب تغییر شکل دائمی و انحنای استخوان به صورت کمائی شدن می‌شود (عبدلیتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷).

این‌ها گونه‌هایی از صدمات استخوانی بوده که نسبت به تعیین دیه آن‌ها یا ارائه یک ضابطه برای تعیین ارش آن‌ها در حقوق موضوعه اقدامی نشده است.

۳- عملیاتی‌سازی ضابطه تناسب با رتبه‌بندی شدت صدمات استخوان

تحلیل دسته‌بندی ترتیب شدت صدمات استخوانی با معیار میزان تعیین شده برای جبران خسارت آن براساس اصل عدل و انصاف و کرامت انسانی است. همان‌گونه که برخی در جایگاه مطلق تناسب میان جرم و مجازات مقرر داشته‌اند که تناسب، هماهنگی و هم‌سوئی میان مجازات (میزان جبران خسارت) و جرم (صدمات استخوانی) از لوازم یک نظام کیفری متعادل است. مبنایی

1. Necrosis

۲. bowing Fracture

منطقی برای مجازات از اصول اولیه و بنیادین نظام عدالت کیفری و عامل مشروعیت آن است (سبزواری، ۱۳۹۶: ۱۳۳). در تعریف عدل آمده است: فَإِنَّ الْعَدْلَ هُوَ الْمُسَاوَاةُ فِي الْمُكَافَاةِ (واسطی و همکاران، ۱۵/۱۴۱۴: ۴۷۱). برابری میان جنایت وارده و میزان جبران خسارت را می‌توان با ضابطه تناسب عملیاتی کرد. اجرای ضابطه تناسب در راستای عدم ظلم به دیگران در راستای حفظ کرامت انسانی و عدل و انصاف است.

عقل و منطق حکم می‌دهد که مجازات‌ها براساس تناسبی از میزان شدت وارده به جامعه یا صدمات وارده تعیین شود و بالتبع هرچه شدت جرم و جنایت بالاتر باشد، میزان مجازات نیز فزونی می‌یابد. بر این اساس، در خصوص موضوع نوشتار می‌توان براساس قیاس منطقی گفت، هرچه میزان جبران خسارت تعیین شده در شرع مقدس بیشتر بود، دلالت بر شدیدبودن جنایت ارتكابی است و در حقیقت جایگاه صدمات از حیث شدت براساس میزان جبران خسارت آن تعیین می‌شود. بنابراین این قیاس منطقی به‌گونه زیر قابل بیان است:

جبران خسارت بابت صدمه وارده تعیین می‌شود.

صدمه وارده براساس تناسبی از شدت صدمه محکوم به دیه می‌شود.

هر جبران خسارت براساس تناسبی از شدت صدمه محکوم به دیه می‌شود.

این قیاس منطقی بالاتزام دلالت بر امکان تعیین جایگاه صدمات از حیث رتبه شدت براساس میزان تعیین شده بابت جبران خسارت آن دارد. بنابراین با بررسی فقهی - حقوقی میزان تعیین شده برای هر یک از صدمات، می‌توان درجه شدت آن‌ها را تعیین کرد و در صورتی که شرع مقدس به بررسی تمامی صدمات پرداخته باشد، براساس نظر متخصص و تعیین جایگاه و رتبه صدمه نسبت به صدمات مذکور در فقه و حقوق، به تعیین حداقل و حداکثر میزان ممکن برای جبران خسارت اقدام کرد. منظور از حداکثر، کمتر از میزان تعیین شده مقدر برای صدمه شدیدتر و منظور از حداقل، بیشتر از میزان تعیین شده مقدر برای صدمه خفیف‌تر بوده و در صورت تطابق با یکی از صدمات تعریف شده در فقه یا حقوق موضوعه که دارای دیه مقدر بوده، بر همان اساس نسبت به تعیین ارزش اقدام خواهد شد.

بر این اساس، می‌توان دسته‌بندی زیر را به منظور رتبه‌بندی صدمات استخوانی از حیث شدت با معیار میزان دیه مقدر ارائه کرد.

۳-۱- مرتبه شدت صدمات استخوانی دارای دیه مقدر

در این قسمت با عنایت به میزان دیه تعیین شده برای صدمات استخوانی و با این معیار که میزان دیه بیشتر دلالت بر شدیدتر بودن صدمه داشته به تبیین مرتبه شدت صدمات استخوانی مذکور در قانون خواهیم پرداخت.

اول: کندن، از بین بردن یا شلل: مقنن تعیین جبران خسارت موضوع این صدمه را به صورت‌های مختلفی تقریر داشته است. در ماده ۵۷۱ در قالب یک ضابطه به بیان دیه صدمه شلل عضو پرداخته و برای آن در حالت عدم بهبودی دوسوم دیه عضو و در حالت بهبودی چهارپنجم از دوسوم در نظر گرفته است. کندن شدن استخوان نیز منجر به شلل عضو خواهد شد. مقنن برای قطع یا از بین بردن هر یک از استخوان‌های ترقوه، نصف دیه کامل مقرر کرده است. میزان‌های ذکر شده به‌عنوان بالاترین میزان جبران خسارت در میان دیات مقدر صدمات استخوانی، دلالت بر بالاترین مرتبه شدت برای صدمه کندن شدن استخوان دارد.

دوم: خردشدگی یا کوبیدگی: مقنن تنها در ماده ۵۶۹ ق.م.ا. در قالب یک ضابطه به تعیین دیه خردشدگی استخوان در دو حالت بهبودی و عدم بهبودی پرداخته است. دیه تعیین شده برای این صدمه بیش از دیه سایر صدمات بوده و می‌توان گفت این صدمه شدیدتر از سایر صدمات بعدی و خفیف‌تر از صدمه کندن با توجه به میزان دیه تعیین شده است.

سوم: شکستگی: مقنن در مواد ۵۶۹ (ضابطه شکستگی) و ۶۵۳ و ۶۵۴ (استخوان دنده)، ۶۵۶ و ۶۵۷ (استخوان ترقوه) ق.م.ا. به مجازات شکستگی در کنار سایر صدمات بعدی اشاره داشته و در تمامی موارد دیه شکستگی را بیش از دیه سایر صدمات مقرر کرده که حکایت از شدید بودن صدمه شکستگی نسبت به صدمات بعدی دارد.

چهارم: ترک برداشتن: مقنن در مواد ۵۶۹ و ۶۵۴ و ۶۵۷ به صدمه ترک برداشتن در کنار صدمات دررفتگی و موضعه پرداخته و دیه صدمه دررفتگی را بیش از دو صدمه دیگر ذکر شده که قاعده تناسب رتبه صدمه و مجازات جبران خسارت، حکم به شدیدتر بودن صدمه دررفتگی از دو صدمه دیگر دارد.

پنجم: دررفتگی: مقنن در چند ماده نسبت به تعیین میزان جبران خسارت صدمه دررفتگی به‌قرار زیر پرداخته است:

- در ماده ۶۵۴ ق.م.ا. به بیان دیه موضعه و دررفتگی استخوان دنده پرداخته است. دیه موضعه را یک چهارم دیه شکستگی (مطابق ماده ۶۵۳ ق.م.ا. برای دنده‌های محیط به قلب، یک چهارم دیه کامل و دنده‌های دیگر، یک صدم دیه کامل) دانسته به‌عبارتی دیه دنده‌های محیط به قلب معادل

۶/۲۵ هزارم دیه کامل و برای سایر دنده‌ها ۲/۵ هزارم دیه کامل است. مقنن دیه دررفتگی را هفت‌ونیم هزارم دیه کامل دانسته است. نتیجه اینکه در استخوان دنده، دیه دررفتگی بیش از دیه موضعه است.

- ماده ۶۵۷ ق.م.ا. دیه موضعه استخوان ترقوه را بیست و پنج هزارم دیه کامل و دیه دررفتگی آن را، بیست هزارم دیه کامل دانسته است. مقنن در این استخوان، دیه موضعه را بیش از دیه دررفتگی تعیین کرده است.

- ماده ۵۷۱ ق.م.ا. برای دررفتگی ارش تعیین کرده و در ماده ۵۶۹ ق.م.ا. برای صدمه موضعه یک چهارم دیه شکستگی را تعیین کرده است.

از جمع بندهای مذکور نمی‌توان به‌صراحت، شدید بودن یکی از صدمات دررفتگی و موضعه را با توجه به میزان تعیین شده برای جبران خسارت در حقوق موضعه به‌دست آورد. از این‌رو به بررسی موضوع از جنبه فقه می‌پردازیم. برخی پژوهشگران به بررسی فقهی-حقوقی جبران خسارت صدمه دررفتگی پرداخته و مقرر داشته‌اند که «با بررسی فقرات اصل ظریف در مورد دیه صدمه دررفتگی استخوان‌ها، به دو دسته استخوان برمی‌خوریم. دسته اول که بیش از نیمی از استخوان‌های مذکور در اصل ظریف را شامل می‌شود، استخوان‌هایی است که دیه دررفتگی آن‌ها نصف دیه شکستگی تعیین شده است. در نیمی از استخوان‌های باقی‌مانده نیز میزان دیه تعیین شده با اختلاف اندکی از نصف دیه شکستگی تعیین شده است» (شاکر و بای، ۹۵: ۱۹ و ۲۰). با توجه به اینکه اصل ظریف در قالب موارد دیه صدمه موضعه را یک چهارم صدمه شکستگی تعیین کرده و مقنن نیز بر این مطلب در ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی تصریح کرده است، می‌توان نتیجه گرفت که مطابق متون روایی و فقهی، میزان تعیین شده برای صدمه دررفتگی بیش از صدمه موضعه بوده و بالتبع صدمه دررفتگی به‌عنوان صدمه شدیدتر از موضعه تعیین خواهد شد.

بنابراین جز در مواردی که مقنن به‌صراحت صدمه موضعه را در قانون بیش از صدمه دررفتگی تعیین کرده، لازم است ارش تعیین شده در ماده ۵۷۱ ق.م.ا. برای صدمه دررفتگی بیش از میزان مذکور برای صدمه موضعه (یک چهارم صدمه شکستگی) تعیین شود.

ششم: موضعه: به عنایت به بند قبل، خفیف‌تر بودن این صدمه، از صدمه دررفتگی مشخص شد و صدمه نافذه در رتبه مساوی با این صدمه قرار دارد.

۳-۲- مرتبه شدت صدمات استخوانی فاقد دیه مقدر

در صورت تطبیق صدمه استخوانی فاقد دیه مقدر با یکی از صدمات ارائه‌شده در دسته‌بندی ترتیب صدمات استخوانی (بند قبل)، مطابق همان جایگاه نسبت به تعیین ارش جبران خسارت اقدام

می‌شود و در صورت عدم تطبیق، لازم است علم پزشکی برای تعیین مرتبه شدت صدمه در برابر سایر صدمات، به بررسی و ارائه پاسخ کارشناسی بپردازد. در صورتی که مرتبه شدت صدمه‌ای را بیش از موضعه و کمتر از دررفتگی تعیین کرد، در این حالت لازم است ارش تعیین شده به‌میزانی بیش از میزان جبران خسارت تعیین شده در صدمه موضعه استخوان و کمتر از صدمه دررفتگی تعیین شود و همین‌طور در نسبت به سایر صدمات فاقد دیه مقدر، براساس رتبه آن‌ها حکم داده خواهد شد.

بدین‌منظور در صورتی که صدمه استخوانی با هیچ‌یک از عناوین صدمات استخوانی مذکور در قانون منطبق نبوده، لازم است نکات زیر در تعیین میزان جبران خسارت صدمه مدنظر قرار گیرد:

اول: قاضی موظف به اخذ نظر کارشناس پزشکی قانونی در خصوص تشخیص صدمه وارده و جایگاه مراتبی آن از حیث شدت براساس صدمات دارای دیه مقدر و مذکور در قانون است. دوم: در صورتی که آسیب وارده با هیچ‌یک از عناوین صدمات استخوانی مذکور در قانون مطابقت نداشته، نسبت به تعیین ارش براساس مرتبه شدت صدمه اقدام کند.

سوم: قاضی در مقام تطبیق نظر کارشناسی با قانون، پس از اطمینان از صحت نظر کارشناسی، نسبت به تعیین دیه در موارد منصوص قانون یا بررسی تطبیقی صحت ارش تعیین شده براساس جایگاه مراتبی صدمه استخوانی و تأیید ارش تعیین شده برای صدور حکم اقدام می‌کند. برای مثال، در صورتی که کارشناس، صدمه وارده را در جایگاهی شدیدتر از شکستگی و خفیف‌تر از خردشدگی تشخیص دهد، ارش تعیین شده لازم است بیش از دیه شکستگی استخوان و کمتر از دیه خردشدگی تعیین شده باشد تا مورد تأیید قاضی در مرحله تطبیق و صدور حکم قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

- دسته‌بندی مرتبه صدمات استخوانی از حیث شدت با معیار میزان تعیین شده برای جبران صدمه (دیه یا ارش) در پرتو مواد قانون مجازات اسلامی به‌عنوان یک ضابطه عینی قابل دستیابی و در انطباق کامل با کرامت انسانی و قاعده عدل و انصاف برای پرهیز از صدور گواهی یا حکم ظالمانه است. جایگاه صدمات استخوانی به‌ترتیب از شدید به خفیف عبارت است از: کندن، کوبیدگی، شکستگی، ترک برداشتن، دررفتگی و موضعه. در مورد شدید بودن جراحت دررفتگی نسبت به موضعه با توجه به اینکه در متن قانون احکام مختلفی از حیث شدت صدمه برای استخوان‌های دنده و ترقوه ذکر شده، با مراجعه به متون روایی و فقه، معلوم شد که در غالب استخوان‌ها، دیه دررفتگی بیش از دیه موضعه ذکر شده که حاکی از شدید بودن صدمه دررفتگی نسبت به موضعه است.

- مطابق با ضابطه استخراج شده، دیه یا ارش صدمه خفیف‌تر نمی‌تواند بیش از صدمه شدیدتر باشد. این نکته به جد لازم است مورد توجه متخصصان پزشکی قانونی موضوع ماده ۱۳۶ قانون آئین دادرسی کیفری در تشخیص صدمه و تعیین ارش و نیز قضات در مرحله تطبیق گواهی‌ها با ضابطه مذکور قرار گیرد.

- در صورتی که حکم ارش قطع اعضا فاقد دیه مقدر توسط متخصصان پزشکی قانونی مشخص شود، براساس نسبت‌های مذکور در قانون برای جبران صدمات استخوانی اعضا دارای دیه مقدر، می‌توان حکم ارش صدمات استخوانی این اعضا را نیز مشخص کرد.

- در خصوص صدمات استخوانی اعضا فلج یا شلل می‌توان با پیاده‌سازی ضابطه تناسب، دیه مذکور در ماده ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی برای از بین بردن عضو را به‌عنوان شاخص برای تعیین نسبت‌های تعریف‌شده در جبران خسارت صدمات استخوانی این اعضا تعریف کرد.

براساس نتایج حاصله از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- کارگروهی متشکل از متخصصان پزشکی قانونی، حقوقدانان و فقها تشکیل شود تا پس از احصا و رتبه‌بندی جایگاه تمامی انواع صدمات استخوانی از حیث مرتبه شدت، نسبت به تنظیم جدولی جامع با تعیین دیه و ارش هر صدمه اقدام شود و بر این اساس مرتبه شدت صدمات استخوانی و ضابطه تناسب مذکور در اصلاحات آتی قانون مجازات اسلامی تقریر یابد.

- با بهره‌گیری از نظرات متخصصان پزشکی قانونی می‌توان نسبت به تعیین ارش میزان جبران خسارت قطع اعضا فاقد دیه مقدر اقدام تا قضات مستقلاً به تعیین ارش براساس نسبت‌های مقرر در قانون اقدام کنند.

منابع

فارسی

- ارژنگ، اردوان؛ عباس کلانتری خلیل آباد؛ محمدرضا رحمت و محمدحسین شاکراشتیجه (۱۴۰۰)، «صدمه ترک برداشتن استخوان؛ مفهوم و ضابطه دیه؛ حل ایهام تقنینی در پرتو اصل تناسب»، مجله حقوق پزشکی، در انتظار انتشار.
- اعلامی هرندی و همکاران، بهادر (۱۳۹۲)، «درسنامه ارتوپدی و شکستگی‌ها، یک جلد، اول، تهران: نشر اندیشه رفیع.
- بای، حسین‌علی، شاکر، حسین (۱۳۹۵)، «بررسی قاعده دیه کوبیدگی استخوان»، حقوق اسلامی، شماره پنجاه‌ویک.
- دشت‌بزرگ، احمد (۱۳۹۲)، «استئومیلیت هماتوزن حاد در کودکان: بررسی گذشت هنگر در بیمارستان‌های اهواز»، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایران، دوره یازدهم، شماره دوم.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، اول، تهران: میزان.
- زنجانی، عباس‌علی عمید (۱۴۲۱)، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ساریخانی، عادل؛ محمدحسین شاکر و سیدابراهیم موسوی (۱۳۹۸)، «ضابطه دیه شکستگی استخوان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره بیست‌وچهارم، شماره هشتادوشش.
- سبزواری، حجت (۱۳۹۶)، «جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره بیست‌ودوم، شماره هفتاد و هفت و هفتاد و هشت.
- شاکر، محمدحسین و حسین‌علی بای (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی قاعده در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه»، فصلنامه فقه پزشکی، سال هشتم، شماره هشتادودوم.
- عبدلی‌تفتی، عباس و همکاران (۱۳۹۳)، «گزارش یک مورد پلاستیک دفورمیتی استخوان فیبولا»، مجله دانش و تندرستی، دوره نهم، شماره چهار.
- قماش، سعید (۱۳۹۳)، کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌انگاری، اول، تهران: میزان.
- قماش، سعید (۱۳۹۴)، کرامت انسانی، «راهبرد استنباط احکام شریعت»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره چهل‌هشتم، شماره اول.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، فرهنگ‌نامه اصول فقه، اول، قم.

➤ <https://www.iranorthoped.com>

عربی

- ابن‌ادریس، محمد بن منصور بن احمد، حلی (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، اول، لبنان-سوریه: دارالعلم - الدارالشامیه.
- اصفهانی، مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۳ جلد، دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- حلی، ابو‌الصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳)، الکافی فی الفقه، در یک جلد، اول، اصفهان: کتابخانه عمومی امام‌امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٤١٣)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خوئی، موسوی، ابوالقاسم (١٤٢٢)، مبانی تکملة المنهاج، ٢ جلد، اول، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- سبزواری، سید عبد الأعلى (١٤١٣)، مهذب الأحكام، ٣٠ جلد، چهارم، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله.
- سلا، حمزة بن عبد العزيز ديلمی (١٤٠٤)، المراسم العلوية و الأحكام النبوية، در يك جلد، اول، قم: منشورات الحرمین.
- شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی (١٤١٣)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ١٥ جلد، اول، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤٠٠)، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى، در يك جلد، دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤٠٧)، تهذیب الأحكام، ١٠ جلد، چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه (١٤٠٨)، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، يك جلد، اول، قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی (ره).
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن (١٤٠٩)، وسائل الشیعة، ٣٠ جلد، اول، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (١٤١٠)، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية، يك جلد، اول، بیروت: دارالتراث - الدار الإسلامية.
- فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی (١٤١٦)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فیومی، احمد بن محمد مقری (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، در يك جلد، اول، قم: منشورات دارالرضی.
- قمی، صدوق، محمّد بن علی بن بابویه قمی (صدوق) (١٤٠٩)، من لا یحضره الفقیه، مترجم: علی اکبر غفاری و محمدجواد و صدر بلاغی، اول، ٦ جلد، تهران: نشر صدوق.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (١٤٠٧)، الکافی (ط - الإسلامية)، چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مفید، محمّد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (١٤١٣)، المقنعة، در يك جلد، اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه.
- منسوب به امام رضا علیه السلام، علی بن موسی علیهما السلام (١٤٠٦)، الفقه - فقه الرضا، در يك جلد، اول، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (١٤٠٤)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ٤٣ جلد، هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (١٤١٤)، تاج العروس من جواهر القاموس، ٢٠ جلد، اول، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.